

# Ettehadiyeh Company: From Currency Exchange to Engagement in Foreign Trade

Soheila Torabi Faresani<sup>1</sup>

## Abstract:

**Purpose:** Integration into the world economy since the beginning the 20th century provided plenty of opportunities for Iranian merchants to set up their own companies. This paper reports the history of activities as well as changes faced by one such company, namely Ettehadiyeh.

**Method and Research Design:** This research is based on private archival documents held by etehadiyyeh family.

**Findings and Conclusion:** After the 1906 Constitutional Revolution, Ettehadiyeh company diversified and expanded its activities. The company in early steps operated as the agents of foreign enterprises. However, later when it grew in size and capital, the company entered in completion with foreign partners.

**Keywords:** Ettehadiyeh Company; Trade; Money Exchange; Foreign Trade; Iran.

**Citation:** Torabi Faresani, S. (2020). Ettehadiyeh Company: From Currency Exchange to Engagement in Foreign Trade. *Ganjine-ye Asnad*, 30(3), 54-78. doi: 10.22034/GANJ.2020.2577

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Associate Professor, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, I. R. Iran

tfarsani@yahoo.com

Copyright © 2020, NLAJ (National Library & Archives of I. R. Iran).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«119»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2020.2577

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 3, Autumn 2020 | pp: 54- 78 (25) | Received: 20, Sep. 2019 | Accepted: 9, Feb. 2020

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشیمی

مقاله پژوهشی

## شرکت اتحادیه: از صرافی تا چالش‌های تجارت (از خلال اسناد بایگانی اتحادیه)

سهیلا ترابی فارسانی<sup>۱</sup>

### چکیده:

**هدف:** ادغام ایران در اقتصاد جهانی، عصر امتیازات و ورود سرمایه‌های بیگانه، پیروزی جنبش مشروطه، جنگ جهانی اول و روی کار آمدن دولت پهلوی هر کدام چالش‌ها و فرصت‌های بسیاری را برای تجار و مؤسسان شرکت‌های تجاری فراهم کرد. پژوهش حاضر به دنبال بررسی فعالیت‌های صرافی و تجاری شرکت اتحادیه و چالش‌های پیش روی این شرکت است. **روش/ رویکرد پژوهش:** این پژوهش مبتنی بر روش اسنادی و با تکیه بر اسناد آرشیو خصوصی شرکت اتحادیه انجام شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** شرکت اتحادیه با پیروزی جنبش مشروطه، فعالیت خود را متنوع و گسترده کرد و در دورانی نیز به واسطه‌گری برای شرکت‌های خارجی پرداخت. این شرکت در ادامه به توان مالی خود افزود و کوشید با سرمایه‌های خارجی به رقابت بپردازد.

**کلیدواژه‌ها:** شرکت اتحادیه؛ تجارت؛ صرافی؛ شرکت‌های تجاری؛ قاجار.

**استناد:** ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۹۹). شرکت اتحادیه: از صرافی تا چالش‌های تجارت (از خلال اسناد بایگانی اتحادیه).

گنجینه اسناد، ۳۰ (۳)، ۵۴-۷۸ | doi: ۱۰,۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰,۲۵۷۷

۱. دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد،  
دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران  
tfarsani@yahoo.com



### گنجینه اسناد

«۱۱۹»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۲۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۰,۲۵۷۷

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۰، دفتر ۳، پاییز ۱۳۹۹ | صص: ۵۴-۷۸ (۲۵)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۹ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰

تحقیقات تاریخی

## ۱. مقدمه

چند دهه پیش از جنبش مشروطه، تجار ایرانی براساس ضرورت‌های اجتماعی-اقتصادی، شرکت‌های تجاری تأسیس کردند. مصادرهٔ اموال، ناامنی، بی‌قانونی و آشفتگی محاکم قضایی از یک‌سو و گسترش روابط تجاری و نفوذ سرمایه‌های بیگانه و دردست‌گرفتن بازارهای ایران توسط بیگانگان از سوی دیگر، فضایی نامساعد برای فعالیت‌های تجاری ایجاد کرده بود. ضعف حکومت مرکزی و وابستگی دولت به قدرت‌های بزرگ سیاسی شرایطی را بر آن تحمیل می‌کرد که در اثر آن نه تنها از سرمایه‌های داخلی حمایتی نمی‌شد، بلکه در مواردی در مقابل آن‌ها جبهه‌گیری هم می‌شد. این مسائل موجب نارضایتی تجار شد و واکنش آن‌ها را در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی برانگیخت.

موفقیت اروپاییان در تجارت و پیشرفت‌های علمی و فنی آن‌ها در صنعت که به برتری و تسلط آن‌ها بر اقتصاد، امور مالی و تجارت جهانی منجر شد، گروهی از تجار ایرانی را به این اندیشه واداشت تا با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین تجاری از شکل فردی معمول در بازار سنتی خارج شوند و سرمایه‌های کوچک را به صورت گروهی در قالب شرکت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری کنند. تجار تأسیس شرکت‌ها یا کمپانی‌های مالی و تجاری را به عنوان راه‌حلی در مقابل نفوذ و هجوم اقتصادی بیگانگان برگزیدند. شرکت اتحادیه از جمله این گونه شرکت‌ها بود که به این شیوه با شرایط جهانی سازگار شد.

دربارهٔ این شرکت اسنادی از مکاتبات مالی حاج‌رحیم اتحادیه در کتاب *صرافی و صراف‌ها: منتخبی از اسناد حاج‌رحیم اتحادیه به قلم منصوره اتحادیه و سعید روحی* (۱۳۹۵) منتشر شده است. همین‌طور در کتاب *تجار، مشروطیت و دولت مدرن از سهیلا ترابی فارسانی* (۱۳۸۴) هم شرکت اتحادیه به‌طور مختصر در کنار دیگر شرکت‌های تجاری پیش از مشروطه معرفی شده است. پژوهش حاضر براساس اسناد آرشیو خصوصی شرکت اتحادیه دنبال خواهد شد. اسناد این آرشیو مجموعه‌ای از برات‌ها، نامه‌ها و دیگر مدارک پراکنده‌ای است که به جز بخشی از برات‌ها و تعدادی از نامه‌ها، بقیه دسته‌بندی و طبقه‌بندی نشده‌اند. موضوع‌بندی‌نشده و شماره‌گذاری‌نشده و ویژه بایگانی اسناد، ارجاع شماره‌گذاری شده به این اسناد را مشکل می‌کند. علامت اختصاری این آرشیو در این مقاله به صورت (آ.ا.ت) و علامت اختصاری سازمان اسناد و کتابخانه ملی به صورت (سا.ک.ما) خواهد بود.



## ۲. تأسیس شرکت اتحادیه و فعالیت‌های صرافی آن

شرکت اتحادیه را در سال ۱۳۰۵ق/۱۸۸۷م گروهی از صرافان و تجار از جمله حاج‌علی کوزه‌کنانی و برادران، حاج‌سیدمرتضی صراف، حاج‌لطف‌علی صراف و تعدادی دیگر تشکیل دادند (جمال‌زاده، ۱۳۳۵، ص ۹۸). شعبه اصلی این شرکت در تبریز بود. علاوه بر آن در تهران نیز شعبه داشت که سرپرستی آن را حاج‌لطف‌علی صراف و پسرش رحیم به‌عهده داشتند. تاریخ تأسیس شرکت در سال ۱۳۱۵ق/۱۸۹۷م احتمالاً مربوط به شعبه تهران آن است (تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران، [بی‌تا]، صص ۴۸-۵۵).

حاج‌محمدباقر امین‌الضرب اتحادیه تبریزی فرزند حاج‌لطف‌الله تبریزی بود. حاج‌لطف‌الله و برادرش حاج‌هاشم در بازار تبریز حجره داشتند. آنان در پی مسافرت به روسیه و آشنایی با شیوه نوین بانکداری در صدد برآمدند تا در تبریز بانکی به‌سبک روسیه ایجاد کنند. بدین‌منظور حاج‌محمدباقر فرزند ارشد حاج‌لطف‌الله برای بررسی شیوه‌های نوین بانکداری، مدتی در روسیه به‌سربرد و پس از بازگشت به کشور، نتیجه بررسی و مذاکراتش با کارشناسان روسی را در اختیار پدر و عموی خود گذاشت و کارهای مقدماتی تشکیل بانک را آغاز کرد و برای اجرای آن با تعدادی از صرافان و تجار تبریزی مذاکره کرد. ولی در این هنگام حاج‌لطف‌الله فوت کرد و حاج‌هاشم به‌علت تألمات روحی، از تأسیس بانک منصرف شد. حاج‌محمدباقر پس از مرگ پدر و عمویش دارالضرب تبریز را تأسیس کرد و سکه‌هایی نقره به‌نام ولیعهد ضرب و وارد بازار کرد و پس از آن به‌نام حاج‌محمدباقر امین‌الضرب تبریزی معروف شد. او پس از این توفیق به فکر ایجاد بانک افتاد و پس از تلاش بسیار، صرافان تبریزی را متحد کرد و شرکت اتحادیه را با کمک گروهی از صرافان و تجار در تبریز پایه‌ریزی کرد.

فرزند ارشد حاج‌محمدباقر، یعنی حاج‌لطف‌علی، و پسرش رحیم به‌عنوان نمایندگان شرکت به تهران رفتند و پس از مدتی، به‌دلیلی نامشخص که شاید نارضایتی از سوددهی شرکت بود، سهام خود را از شرکت پس گرفتند. حاج‌لطف‌علی تا مدتی امور شرکت را در تهران می‌گرداند. او در سال ۱۳۱۶ق/۱۸۹۸م پیمان خود را با شاخه شرکت در تبریز فسخ کرد؛ ریاست شاخه تبریز با حاج‌علی کوزه‌کنانی از معتبرترین سهام‌داران شرکت بود. شعبه تبریز به‌دلیل شرایط بد اقتصادی در سال ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م تعطیل شد. علت شکست شرکت صرافی اتحادیه در تبریز به‌احتمال زیاد ناتوانی این مؤسسه در رقابت با بانک شاهنشاهی بوده‌است. حاج‌لطف‌علی و پسرش رحیم هم‌چنان در تهران باقی ماندند و مجدداً شرکتی را بانام اتحادیه در تهران تأسیس کردند که تا زمان فوت حاج‌رحیم در سال ۱۳۱۳ش/۱۹۳۴م برقرار بود (اتحادیه، ۱۳۷۷ج، صص ۳۳۵-۳۴۹).



این شرکت در ابتدا با سرمایه‌ای بالغ بر صد هزار تومان برای مقابله با عملیات بانک شاهنشاهی و در اندیشه ایجاد بانک و فعالیت‌های صرافی به وجود آمد (Picot, 1897). شرکت اتحادیه در سال اول تأسیس مقدار زیادی از اسکناس‌های بانک شاهنشاهی را جمع‌آوری کرد و برای تعویض با وجه نقره به بانک عرضه کرد و چون بانک نتوانست در مقابل این اسکناس‌ها قران نقره بپردازد ارزش اسکناس‌هایش سی درصد تنزل کرد؛ بانک به‌ناچار شرکت اتحادیه را در تجارت نقره با خود سهام کرد (تاریخچه سی ساله...، [بی تا]، ص ۵۳).

یکی از مسائلی که تجار همواره خواهان رهایی از آن بودند اعمال نفوذ بانک‌های خارجی و اجحاف‌هایی بود که به آنان روا داشته می‌شد. بانک شاهنشاهی خدمات پولی مورد نیاز تجار را تأمین می‌کرد و ضامن اعتباری خوبی برای آنان بود (ساکما، ۴۴-۷۸۴؛ آ.ا.ت، سند ش ۱)؛ ولی در بسیاری از موارد عملکرد بانک با منافع مالی صرافان و تجار همخوانی نداشت و آنان را به مقابله برمی‌انگیخت. اسکناس‌های بانک شاهنشاهی فقط در محلی که نام آن روی اسکناس‌ها چاپ شده بود، اعتبار داشت و حتی بانک مرکزی در تهران هم، اسکناس‌های مربوط به شعبه‌های دیگر را فقط در مقابل گرفتن وجه اضافی به اسکناس‌های محلی تبدیل می‌کرد. این موضوع سیر مبادلات پولی و بروات را دچار مشکل می‌کرد. این امور موجب شد تا سلسله مذاکراتی برای تفسیر امتیازنامه بانک بین تجار و رئیس بانک شاهنشاهی انجام شود (آ.ا.ت، سند ش ۲). بانک می‌توانست هر روز نرخ ارز خود را تغییر دهد و این تغییر مظنه پول ایران در مقابل پول‌های خارجی و نوسان‌هایی که بانک اعمال می‌کرد، آسیب‌های زیادی به معاملات تجار می‌زد. حاج عبدالرضا اصفهانی در نامه‌ای به رحیم اتحادیه از شیوه بانک ابراز نارضایتی می‌کند و عملکرد بانک را این‌گونه توصیف می‌کند:

«باوجودی که اساس نرخ خیلی سست است، برای این‌که اذیتی به تجار نکند و ضرری به آن‌ها برساند هرروزه نرخ خود را در صورتی که نمی‌فروشد، ترقی می‌دهد که پس از معامله، مظنه را به میزان خود بدهد که تجار گرفتار خسارت شوند. خداوند یک‌مشت ضعف را از شر داخلی و خارجی محفوظ فرماید. گله بی‌شعور غافل است و گرگ در کمین؛ بلکه در غارت» (آ.ا.ت، سند ش ۳).

نبض معاملات تجاری و بازار در دست بانک شاهنشاهی بود و تجار آن را زانده‌ای تحمیلی و بیگانه می‌دیدند. از این‌رو شرکت اتحادیه در ابتدای تأسیس خود برای مقابله با بانک به فعالیت‌هایی دست زد که در درازمدت تأثیری در عملکرد بانک نگذارد.



### ۳. توسعه روابط تجاری شرکت اتحادیه در سال‌های پس از مشروطه

پس از جنبش مشروطه، شبکه‌های ارتباطی مابین تجار هم‌چون سابق فعال بود و به همان شکل سنتی عمل می‌کرد. از مجموعه مکاتبات موجود در آرشیو اتحادیه به خوبی نظام این شبکه‌ها مشخص می‌شود. تجار در ورود کالاهای جدید غربی بر یکدیگر پیشی می‌گرفتند؛ ولی با وجود این ترقی خواهی و نوگرایی، در دوران پس از مشروطه در ساختار درونی شبکه‌های ارتباطی خود هیچ تغییر محسوسی ایجاد نکردند. در واقع آنان به بازسازی و تجهیز تشکیلاتی خود برای مواجهه با مسائل نوین نپرداختند.

شرکت اتحادیه در سال‌های پس از جنبش مشروطه حواله‌های پولی ارسال می‌کرد و نقش امین و رابط مالی را ایفا می‌کرد. در آرشیو اتحادیه حواله‌ها و قبض‌های رسید بسیاری موجود است که بابت مستمری افراد پرداخت می‌شده است. برای نمونه مجموعه‌ای از قبض‌های رسیدی وجود دارد که حاج رحیم اتحادیه به جهت امام جمعه مجتهد خوبی بابت ماهانه حسن علی خان پسر صغیر مرحوم قوچ علی خان موفق الدوله در ماه‌های مختلف سال ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م پرداخت کرده است. شرکت اتحادیه هم‌چنین با تجارت‌خانه‌های متعددی در سراسر کشور ارتباط و مکاتبه داشت. از جمله این شرکت‌ها می‌توان از شرکت‌های مسعودیه، و محمودیه در اصفهان نام برد که در امر قماش و دیگر کالاها با اتحادیه مرادیه داشتند (آ.ا.ت، سند ش ۴ و ۵). برخی نامه‌های مبادله شده با حاج رحیم اتحادیه که به صورت جدولی تنظیم شده است به خوبی گسترش شبکه‌های ارتباطی این شرکت را نشان می‌دهد (ر.ک به جدول شماره ۱).

شرکت اتحادیه از این طریق طلبش در شهرهای دیگر را وصول می‌کرد یا قروض خود را می‌پرداخت. حاج رحیم اتحادیه برای معاملات خارج از کشور خود نیز رابط‌هایی داشت که نه تنها درباره «مظنه‌جات و بروات» که در نوع جنس مورد نیاز برای ارسال یا خرید هم به او خبر می‌دادند (آ.ا.ت، سند ش ۶). از مکاتبات حاج رحیم اتحادیه مشخص می‌شود که او در استانبول با حاج آقا حریر فروش و حاج سید محمد تنباکوفروش ارتباط‌هایی داشته است؛ آن‌ها خبر تأسیس تجارت‌خانه خود در استانبول را به حاج رحیم داده بودند. میرزا علی اکبر اسماعیل زاده در استانبول برای فروش و ارسال حواله به لندن رابط‌هایی را به حاج رحیم معرفی کرد (آ.ا.ت، سند ش ۷). از جمله کسانی که در بمبئی با اتحادیه روابط تجاری و بازاریابی داشت، محمد تقی افشار بود که درباره معامله چای با اتحادیه مکاتبه می‌کرد (آ.ا.ت، سند ش ۸). یکی دیگر از این افراد حاج محمد کازرونی بود که درباره ارسال برنج رشت به هند و هم‌چنین خشکبار از جمله کشمش، زیره، مویز، بادام نجف‌آباد، و مغز بادام به اتحادیه پیشنهاد می‌داد (آ.ا.ت، سند ش ۹). عبدالحسین کازرونی نیز در زمینه تجارت

پوست، صابون، چای، قماش، عطریات، روغن و عینک با حاج رحیم مکاتبه داشت و از بمبئی برای تجارت خانه اتحادیه، قماش ارسال می کرد. او شخصی به نام رومانسکی ساکن پاریس را به حاج رحیم معرفی کرد تا رابط آن‌ها برای مبادلات کالا باشد و دارو و عطر از طریق او از پاریس به ایران وارد شود (آ.ا.ت، سند ش ۱۰).

رحیم اتحادیه نمونه‌ای از تاجران بزرگی بود که تا اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی نیز به فعالیت‌های تجاری خود ادامه دادند. عملکرد او الگویی مشخص از چگونگی روابط تجاری این گونه شرکت‌هاست. اتحادیه از شرکت‌های خارجی خرید می کرد و کالاهایش را با شرکت‌های حمل بار منتقل می کرد. شرکت اتحادیه به‌طور مستمر با بمبئی، روسیه و استانبول در ارتباط بود و کالاهای انگلیسی و فرانسوی را از طریق بمبئی به جنوب ایران وارد می کرد. شرکت‌های حمل بار درازای کالایی که حمل می کردند، مسئولیت داشتند و در صورت صدمه یا کسر کالا با تحویل بارنامه غرامت می پرداختند. برای نمونه اگر کالایی هزار روپیه قیمت داشت، در صورت کمبود یا خسارت ۵۰۰ روپیه آن را می پرداختند (آ.ا.ت، سند ش ۱۱). از این نمونه شرکت‌ها می توان از کمپانی جهازات نام برد که مسئولیت حمل بار و تحویل آن را به عهده داشت؛ این شرکت در زمینه مبادله کالا بین بمبئی و جنوب ایران فعالیت می کرد (آ.ا.ت، سند ش ۱۲). علاوه بر شرکت‌ها، تاجر نیز در حمل کالاهای یکدیگر همکاری داشتند. حاج فتح‌الله فتحی به حاج رحیم اتحادیه درباره فرستادن کالا از کارخانه‌های لندن و ورود آن به اهواز و ترتیب حمل آن از طریق اداره امانات گزارش می داد (آ.ا.ت، سند ش ۱۳). کالاهای وارداتی از پاریس هم، از طریق بمبئی وارد ایران می شد (آ.ا.ت، سند ش ۱۴).

در حمل کالا مشکلات بسیاری وجود داشت؛ از جمله تفاوت در اوزان و مقیاس‌ها در شهرهای مختلف ایران. در نامه‌ای از حاج محمدعلی به حاج رحیم اتحادیه به تفاوت اوزان در شیراز و بوشهر اشاره شده است (آ.ا.ت، سند ش ۱۵). مشکل دیگر کندی ارتباطات بود؛ بیشتر تلگراف‌ها یا به مقصد نمی رسیدند یا اگر می رسیدند، خیلی طول می کشیدند. برای نمونه عبدالحسین کازرونی به اتحادیه می نویسد: تلگراف از تهران به بوشهر حدود ده تا دوازده روز طول کشیده تا به مقصد برسد (آ.ا.ت، سند ش ۱۶). بیمه کردن کالاها تقریباً در اواخر دوران قاجار مطرح شد که تا حدودی توانست حس امنیت را برای شرکت‌های تجاری ایجاد کند.



#### ۴. جنگ جهانی اول و چالش‌های تجاری شرکت اتحادیه

بروز جنگ بین‌المللی، نامساعد بودن اوضاع تجاری، کاهش قیمت کالاهای صادراتی هم‌چون تریاک و قالی و افزایش محصولات وارداتی مثل قند، افزایش قیمت ارزاق و بسته‌شدن راه‌های مبادلاتی موجب کاهش عایدات گمرک و افزایش فشارهای مالیاتی بر تجار شد (حبل‌المتین، ش ۲۱، ربیع‌الاول ۱۳۳۲، ص ۵). علاوه‌براین، مداخله بیگانگان در امور تجاری به‌بهبانۀ جنگ و نامساعد بودن وضعیت داخلی، تجار را به سمت همکاری با شرکت‌های خارجی کشاند. در این دوران تجار ایرانی بیش‌ازپیش نقش دلال و واسطه را برای شرکت‌های تجاری خارجی بازی کردند. حاج‌رحیم اتحادیه مقارن سال‌های جنگ عنوان تاجرباشی دولت ایتالیا را به‌دست آورد. سفارت ایتالیا او را به‌سمت «تاجرباشی‌گری تجارت و تاجر ایتالیا در تهران» تعیین کرد و دولت ایران هم این مقام را تصدیق کرد و گفته شد این امر به توسعه و ترقی تجاری بین تجارت‌خانه‌های ایتالیا و ایران خواهد انجامید (آر.ا.ت، سند ش ۱۷). عنوان تاجرباشی به شخصی داده می‌شد که نقش نماینده تجاری دولتی خارجی را به‌عهده می‌گرفت و بر امور تجاری و مسائل تجار آن کشور نظارت می‌کرد. علاوه‌براین قراردادی مابین حاج‌رحیم اتحادیه و کمپانی لیمیتد چرچیل<sup>۱</sup> مستقر در منچستر منعقد شد که طبق آن، اتحادیه وکیل آن شرکت در ایران شد تا سفارش‌های ادارات و تاجر دیگر را به کمپانی بفرستد و شرایط ارسال سفارش‌ها را فراهم کند. در این قرارداد شرکت اتحادیه صدی سه به‌عنوان حق‌العمل سفارش‌ها می‌گرفت و موظف بود «بروات و اوراق را به‌توسط بانک یا هرکس را در ممالک اروپا معین فرمایند حواله وکیل [کمپانی لیمیتد چرچیل]» کند (آر.ا.ت، سند ش ۱۸). جنگ جهانی اول شیوه دلالی را گسترده‌تر کرد و تاجر و شرکت‌هایی که قدرت خود را از دست داده بودند، در بحران این جنگ ارتباطشان با شرکت‌های خارجی بیشتر شد و به‌عنوان رابط آن شرکت‌ها در ایران عمل کردند.

امور تجاری با افزایش دامنه جنگ مختل شد. انگلیسی‌ها در جنوب ایران قوا پیاده کردند تا هم از تأسیسات نفتی محافظت کنند و هم از فعالیت آلمان‌ها در سراسر کشور و به‌ویژه در بین عشایر جلوگیری کنند. انگلیسی‌ها در امور تجاری نیز دخالت می‌کردند و کار به جایی رسید که فهرستی معروف به «لیست سیاه ایران» را منتشر کردند. فهرستی که اسامی تاجر ایرانی و شرکت‌های خارجی و داخلی‌ای را که با دشمنان انگلیس به‌ویژه آلمانی‌ها معامله داشتند بر ملا می‌کرد. این فهرست به‌صورت علنی انتشار یافت و هرچند وقت یک‌بار تغییراتی در آن داده می‌شد و اسامی برخی افراد از آن حذف یا به آن اضافه می‌شد. اولین فهرست موجود در ۲۰ مارس ۱۹۱۶ منتشر شد؛ دیگری در ۳ فوریه ۱۹۱۷ و فهرست سوم





بدون تاریخ بود. افرادی که نامشان از فهرست حذف می‌شد یا در منطقه نفوذ انگلیسی‌ها قرار داشتند و ناچار بودند متعهد شوند با آلمانی‌ها معامله نکنند و یا به‌تدریج از پیشرفت آلمانی‌ها مأیوس می‌شدند و با انگلیسی‌ها سازش می‌کردند (اتحادیه، ۱۳۷۷ الف، صص ۳۶۳-۳۷۲).

انگلستان و روسیه نیازهای مالی خود در ایران را از طریق بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی برآورده می‌کردند؛ درحالی‌که آلمانی‌ها این امکان را نداشتند و به‌تجار و تجارت‌خانه‌های ایرانی متوسل می‌شدند. از این نمونه شرکت اتحادیه بود که در آغاز جنگ قراردادی مخفیانه با آلمانی‌ها منعقد کرد که برطبق آن، آلمانی‌ها با پرداخت ارز به این شرکت در خارج از ایران، پول موردنیاز خود در داخل ایران را تأمین می‌کردند. بعد از آنکه انگلستان از این معاملات آگاهی یافت نام شرکت اتحادیه را در فهرست سیاه قرار داد و تمام دارایی‌های این شرکت در انگلستان و بمبئی را توقیف کرد و به اتباع آن کشور اعلام کرد با شرکت اتحادیه هیچ‌گونه معامله‌ای انجام ندهند. اتحادیه برای لغو ممنوعیت‌ها مجبور شد مذاکره کند و انگلستان شرط آزادکردن اموال ضبط‌شده و رفع ممانعت‌های قانونی را معامله‌نکردن شرکت با دشمنان انگلستان در داخل و خارج از ایران اعلام کرد. اتحادیه تهدید شد که در صورت رعایت‌نکردن این موارد، اموالش در هند و بریتانیا ضبط خواهند شد و این شرکت نیز حق هیچ‌گونه شکایتی نخواهد داشت. شرکت هم‌چنین می‌بایست وثیقه‌ای به‌مبلغ بیست هزار لیره به‌عنوان ضمانت در لندن و بمبئی می‌سپرد تا در صورت سرپیچی از مفاد تعهدنامه، دولت انگلستان آن مبلغ را ضبط کند و شرکت مزبور حق هیچ‌گونه اعتراض و شکایتی نداشته باشد (اتحادیه، ۱۳۷۷ الف، صص ۳۶۷).

شرکت اتحادیه موظف بود گزارش دفتر روزنامه معاملات خود را برای آگاهی دولت انگلستان به سفارت‌خانه آن کشور اعلام می‌کرد تا طرف‌های تجاری‌اش به‌طور مرتب بررسی شوند. هم‌چنین می‌بایست اسامی مشتریان و عاملان خود در مناطق مختلف را نیز به سفارت می‌فرستاد. اتحادیه طبق تعهدنامه‌ای رسمی تمام این قیود را برای رفع موانع تجاری خود و حذف نامش از فهرست سیاه پذیرفت.

انگلستان عملیات تجاری بیشتر شرکت‌ها و تجارت‌خانه‌ها را زیر نظر داشت و هرچند ماه یک‌بار تغییراتی در فهرست سیاه ایجاد می‌کرد (اتحادیه، ۱۳۷۷ الف، صص ۳۷۱-۳۷۲). برای نمونه در ۲۵ آوریل ۱۹۱۶ به اتحادیه اجازه داده شد با حاجی محمد و عبدالحسین تهرانی تسویه حساب کند، چون به‌تازگی نام آن‌ها در فهرست قرار گرفته بود. اتحادیه برای انجام هرگونه معامله مجبور بود از سفارت اجازه بگیرد. برای نمونه شرکت برای معامله با امین‌التجار اصفهانی اجازه خواست و سفارت اعلام کرد هنوز به او و حاجی



مهدی سمسار اصفهانی ظنین است و نمی‌تواند درباره آن‌ها به‌طور کامل مطمئن باشد. اتحادیه حتی برای ارسال حواله‌های پولی خود مجبور بود از سفارت انگلیس اجازه بگیرد. شرکت در ژانویه ۱۹۱۷ اجازه خواست مبلغی پول به حساب امیر بهادر در سوئیس واریز کند و سفارت به شرطی اجازه داد که این مبلغ به نفع دشمنان انگلستان به کار برده نشود. بالاخره دولت انگلیس در ماه مه ۱۹۱۹ وثیقه مالی اتحادیه را به شرکت بازگرداند و اموال ضبط‌شده شرکت در لندن و بمبئی را آزاد کرد (اتحادیه، ۱۳۷۷ الف، صص ۳۶۷-۳۷۰).

مجموعه این مکاتبات بیانگر آن است که شرکت اتحادیه نیز هم‌چون دیگر شرکت‌ها و تجارت‌خانه‌های ایرانی در سال‌های جنگ جهانی اول چالش‌های بسیاری در امور تجاری داشته و هرچه بیشتر به قدرت‌های بیگانه وابسته بوده‌است. انگلیسی‌ها به‌بهانه جنگ، نظارت و دخالت خود را در بدیهی‌ترین حقوق تجار ایرانی افزایش دادند و بدین ترتیب امکان فعالیت مستقل این‌گونه شرکت‌ها را مسدود ساختند و به جای تجارت واسطه‌گری را تقویت کردند. به علت کمبود نقدینگی، کساد بازار تجارت، نوسانات پولی، حمایت نکردن دولت از تجار و شرکت‌های ایرانی، و بحران و بی‌ثباتی سیاسی کشور گرایش به دلالتی برای شرکت‌های خارجی بیشتر تقویت می‌شد. امین‌التجار به حاج‌رحیم پیشنهاد کرد که درقبال فروش محموله‌های قند روسی در بوشهر، درصدی معین به‌عنوان «حق‌العمل» دریافت کند (آ.ا.ت، سند ش ۱۹ و ۲۰).

## ۵. سرمایه‌گذاری‌های تجاری و صنعتی

شرکت اتحادیه در سال‌های پس‌از جنگ جهانی اول، به همان شکل سنتی پیشین به امور تجاری می‌پرداخت، با این تفاوت که در این دوره امور تجاری مشخصه‌های خاص دوران پس‌از جنگ را داشت؛ مشخصه‌هایی نظیر رواج دلالتی تجار ایرانی برای شرکت‌های خارجی، کمبود نقدینگی، ورشکستگی گروهی از تجار و تجارت‌خانه‌ها، رواج قاچاق کالا، و گریز از پرداخت مالیات. حاج‌رحیم توانست بحران سال‌های جنگ را پشت سر گذارد و با حفظ شبکه‌های ارتباطی خود در شهرهای مختلف و رابط‌هایی که در این شهرها داشت مبادلات تجاری‌اش را ادامه دهد. او با بسیاری از شهرها هم‌چون تبریز، باکو، زنجان، اصفهان، شیراز، بروجرد، کاشان، رشت، خوانسار، مشهد، همدان، قزوین، تهران، و عراق عجم، درزمینه مظنه برات، پوند، روپیه و حواله‌های پولی مکاتبه داشت؛ همین‌طور با دیگر کشورها و شهرها هم‌چون بمبئی، روسیه، برلن، هامبورگ، کراچی و با شرکت‌هایی مثل زیگلر و طومانیانس نیز روابط تجاری و مکاتبه داشت که اسناد آن دربین مجموعه‌نامه‌ها و برات‌های بایگانی شرکت اتحادیه موجود است. حاج‌رحیم اتحادیه برای

دست‌یابی به بازارهای صادراتی جدید با رابط‌های خود در مناطق ذکر شده، مشورت می‌کرد. برای نمونه او با علی نمازی در بمبئی درباره امکان ارسال قند و شکر روسیه به هندوستان تبادل نظر کرد و «مظنه بازار را سنجید» (آ.ا.ت، سند ش ۲۱ و ۲۲).

از آنجاکه این‌گونه شرکت‌ها برای انجام معاملات خود از حمایت‌های قانونی نهادهای مدنی برخوردار نبودند، معمولاً خودشان این قبیل خدمات را تدارک می‌دیدند؛ گاه انجام این‌گونه خدمات براساس قراردادی تنظیم می‌شد تا وظایف طرفین مشخص‌تر شود. برای نمونه حاج‌رحیم اتحادیه با چند تن از تجار زنجانی درباره کتترات توتون قراردادی منعقد کرد که شامل چند ماده درباره چگونگی مبادله کالا بین اتحادیه و تجار زنجانی بود (آ.ا.ت، سند ش ۲۳).

این قراردادها با تأیید یکی از علما جنبه شرعی و قانونی می‌یافت. علاوه بر آن، وکالت‌نامه‌های تجاری هم که در آن به نقش رابط و وکیل تجاری اشاره می‌شد به همین شیوه تأیید می‌شد. گاه برای محکم‌کاری و تحکیم تعهدات مالی یک تاجر یا شرکت، تعهدنامه‌ای را به شهادت و امضای یکی از دولتمردان مقتدر و صاحب نفوذ می‌رساندند تا برای تاجر مدیون نوعی تعهد اخلاقی یا ضمانت در پرداخت دین خود ایجاد کند (آ.ا.ت، سند ش ۲۴ و ۲۵).

جنگ جهانی اول به ورشکستگی بسیاری از شرکت‌ها و تجارت‌خانه‌های بزرگ منجر شد. ورشکستگی تجارت‌خانه لیانازوف و ناتوانی‌اش در بازپرداخت بدهی‌های خود موضوع مجموعه‌نامه‌هایی است که طی سال‌های ۱۳۴۰ق/۱۹۲۲م تا ۱۳۴۴ق/۱۹۲۶م با شرکت اتحادیه ردوبدل شده‌است. اتحادیه برای وصول طلب‌هایش طی نامه‌های بسیاری از ریاست وزرا کمک می‌خواهد. این شرکت وصول‌نشدن طلبش از لیانازوف‌ها را سهل‌انگاری وزارت فواید عامه دانست. اتحادیه به جای طلبش یک دستگاه ماشین الکتریک تحویل گرفت که به دلیل نبودن راه مناسب فقط بخشی از آن به تهران حمل شد، ولی بعد وزارت فواید عامه مانع فروش و ورود بقیه لوازم شد. اتحادیه از عملکرد وزارت فواید عامه به دلیل توقیف ماشین‌آلات مزبور شکایت کرد و رضاخان دستور رسیدگی به این موضوع را به وزارت‌های فواید عامه، خارجه و مالیه صادر کرد (ساکما، اسناد ش ۱۰-۲).

شرکت اتحادیه در سال‌های پس از جنگ در امور صنعتی نیز فعال شد. حاج‌رحیم اتحادیه، برای خرید یک کارخانه نساجی از طریق علی اتحادیه که در لندن حضور داشت و نیز کنسول ایران مذاکره کرد و کوشید در این زمینه اطلاعاتی به دست آورد. به او گفته شد که به اشخاص متخصص یعنی «دو نفر مکانیک و مهندس» احتیاج داد؛ هم‌چنین پیش از سفارش



و خرید، مکان کارخانه به تشخیص مهندسی آگاه تعیین شود (آ.ا.ت، سند ش ۲۶). در اوایل دوران پهلوی و در اواخر دوره فعالیت این شرکت، حاج رحیم اتحادیه از وزارت فلاحت و تجارت برای احداث کارخانه شیشه‌سازی مجوز گرفت. او برای تأسیس این کارخانه با مارتروس آقارونیان در ۱۴ سپتامبر ۱۹۲۷ قرارداد همکاری امضا کرد (آ.ا.ت، سند ش ۲۷). گرایش شرکت به فعالیت‌های صنعتی عمدتاً از اوایل دوره پهلوی به چشم می‌خورد.

## ۶. سرمایه‌گذاری در زمین‌های کشاورزی و مستغلات

یکی از گرایش‌های عمده تجار در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، تمایل آن‌ها به خرید زمین و سرمایه‌گذاری در بخش زمین‌داری بود. افزایش سود مبادلات تجاری، اطمینان از حفظ سرمایه شرکت، و هم‌چنین فروش زمین‌های خالصه از طرف دولت از عمده‌ترین عوامل این گرایش بود.

در بین مجموعه اسناد مربوط به خاندان اتحادیه قباله‌های متعددی در زمینه خرید و فروش یا اجاره املاک و مستغلات وجود دارد که به تدریج تا اواخر دوره قاجار بر تعداد آن‌ها افزوده شده است. از مجموعه این اسناد چنین برمی‌آید که اتحادیه به تدریج به زمین‌داری رو آورده است. هرچه تاریخ نگارش نامه‌های این مجموعه جلوتر می‌آید و بر میزان دارایی، املاک و مستغلات اتحادیه افزوده می‌شود، لحن نامه‌های ارسالی به اتحادیه متفاوت می‌شود؛ حاکی از آنکه با مقامی بزرگ و منبع سخن گفته می‌شود. به کاربرد عبارات و واژه‌هایی چون «این که امر مبارک در ارسال... به تعویق افتاد» و واژه‌هایی چون «حسب الامر»، «مقدر فرمایید»، «امر مطاع»، «امر العالی مطاع مطاع»، حاکی از جایگزین شدن آداب اشراف زمین‌دار به جای فرهنگ ساده‌تر تجار است. در بین این نامه‌ها مسائل متعددی مطرح می‌شود؛ از جمله: اجاره زمین، آب و قنات، گرفتن سهم مالکانه از زمین‌های زیر کشت، پیشنهاد خرید مزرعه به قیمت نازل درازای بدهی افراد (آ.ا.ت، سند ش ۲۸)، شرح ثبت املاک اتحادیه در نصرآباد، رضاآباد، ینگه‌امام (آ.ا.ت، سند ش ۲۹) و گزارش مباشران اتحادیه از عملکرد زارعان و درگیری‌ها و اختلاف‌های ملکی با حکام محلی (آ.ا.ت، سند ش ۳۰ و ۳۱)، سران نظامی، مدعیان خصوصی و حتی اهالی یا زارعان یک روستا که بر سهم مالکانه اعتراض داشته‌اند، و سرانجام شکایت از نپرداختن اجاره‌بها از سوی مستأجران که در بین اسناد متأخرتر این مجموعه وجود دارد (آ.ا.ت، سند ش ۳۲، ۳۳ و ۳۴).

گستره سرمایه‌گذاری بر روی زمین، از سیاهه املاک و مستغلات حاج رحیم اتحادیه آشکار می‌شود. این املاک و دارایی‌ها شامل قهوه‌خانه، استخر، خبازخانه، آسیاب، مغازه، حمام، کالسکه‌خانه، باغ، خانه، قنات (که آب آن به صورت ساعتی اجاره داده می‌شد)، قریه

(از چند دانگ تا شش دانگ)، اراضی کشاورزی، یونجه‌زار، صیفی‌کاری، توتستان و گاراژ بود. این املاک و دارایی‌ها سراسر کشور را دربر می‌گرفت و در هر شهر شخصی معتمد سرپرستی این املاک را به‌عهده داشت. برای نمونه حاج‌رحیم اتحادیه در رشت تعدادی مغازه داشت که حاج‌آقا کوچه‌صفهانی سرپرستی اجاره آن‌ها را برعهده داشت (آ.ا.ت، سند ش ۳۵).

تجار گاهی املاک و مستغلات را از دولت می‌خریدند و گاهی درازای بدهی افراد، املاکی به آن‌ها واگذار می‌شد؛ در مواردی هم زمین درازای مبلغی وام به وثیقه گذارده می‌شد و در صورت نپرداختن دین به مالکیت تجار درمی‌آمد یا به اجاره تجار درمی‌آمد تا بدهی مدیون پاک شود. برای نمونه هنگامی که محمدحسن خان افتخاردیوان، «مالک میانج» از سالارلشکر اجازه گرفت تا مبلغ پنج هزار تومان از حاج‌رحیم اتحادیه قرض کند، قرار شد مبلغ را یک‌ماهه بازگرداند و اگر نتوانست حاج‌رحیم بتواند منافع ملک را به خودش منتقل کند و پس از انقضای مدت اجاره و پاک‌شدن حساب پنج هزار تومان، ملک را به صاحبش برگرداند (آ.ا.ت، سند ش ۳۶). هم‌چنین حاج‌رحیم اتحادیه طی وکالت‌نامه‌ای رسمی، شخصی به نام سیدابوالفضل خان را وکیل قانونی خود قرار داد تا در «محصول سهم اربابی» از قریه فرحزاد و تعیین اسامی و تعداد رعایا و سایر حقوق اربابی در محل اقدام کند (آ.ا.ت، سند ش ۳۷).

## ۷. اجاره‌داری و بهره‌برداری از معادن

گرفتن امتیاز و اجاره‌کردن برخی از خدمات دوایر دولتی، نوع دیگری از فعالیت‌های اقتصادی تجار در سال‌های بحران‌زده پس از جنگ اول جهانی بود. در این دوران و به‌ویژه در دوران رئیس‌الوزرای رضاخان، تجار به گرفتن امتیاز از دولت بیشتر رغبت نشان می‌دادند. شرکت اتحادیه در فاصله سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۴۵ق/۱۳۰۲-۱۳۰۵ش طی مکاتباتی با وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه، درخواست کرد تا امتیاز کارخانه‌های چراغ‌برق قم، بارفروش مازندران، سلطان‌آباد عراق عجم، قزوین، همدان و زنجان به او واگذار شود؛ تا این‌که بالاخره امتیاز انحصاری کارخانه چراغ‌برق در ۱۱ مهر ۱۳۰۴/۱۳ آکتبر ۱۹۲۵ به این شرکت واگذار شد. امتیاز انحصاری کارخانه در ۲۳ ماده تنظیم شد و بین دولت ایران و حاج‌رحیم منعقد شد. مدت این امتیاز بین ۱۰ تا ۲۰ سال بود و در صورتی که امتیازگیرنده تا یک سال پس از انعقاد قرارداد نمی‌توانست آن را دایر کند امتیاز از درجه اعتبار ساقط می‌شد. امتیازگیرنده موظف بود یک‌دهم از درآمد خالص کارخانه را به وزارت فواید عامه بپردازد. فروش و واگذاری این امتیاز به اتباع بیگانه ممنوع بود. در صورت ادامه تخلف



صاحب‌امتیاز بعداز دو بار تذکر، امتیاز لغو می‌شد (آ.ا.ت، سند ش ۳۸).

با فراهم‌شدن زمینه‌های فعالیت بیشتر برای تجار، سرمایه‌گذاری در حوزه معادن و خدمات دولتی نیز گسترش یافت. حاج‌رحیم اتحادیه در بهره‌برداری از معادن زهرآباد و سماور مشارکت داشت. او با اداره‌کل معادن نمک طارمین علیا و سفلا درباره اجاره معادن زیتورآباد مکاتباتی کرده‌است (آ.ا.ت، سند ش ۳۹ و ۴۰). هم‌چنین معین‌التجار به او پیشنهاد کرد تا امتیاز مالیات کردستان را به‌طور شراکت به‌دست آورند (آ.ا.ت، سند ش ۴۱). حاج‌رحیم اتحادیه دخانیات کردستان را نیز اجاره کرد. او درازای پرداخت ۱۴۱ هزار تومان، اداره دخانیات کردستان را به‌مدت سه سال از اول جدی ۱۲۹۸ خورشیدی از دولت اجاره کرد (آ.ا.ت، سند ش ۴۲). در اول میزان ۲۳/۱۲۹۹ سپتامبر ۱۹۲۰ در اثر گزارش اداره‌های دولتی مبنی بر این‌که اجاره دخانیات به‌ضرر دولت است، برحسب تصویب‌نامه دولتی به تاریخ ۲۷ سنبله ۱۸/۱۲۹۹ سپتامبر ۱۹۲۰ واگذاری اجاره دخانیات در سراسر کشور لغو شد. در پی لغو امتیاز اجاره‌داری دخانیات کردستان، حاج‌رحیم اتحادیه به دولت اعتراض کرد و به‌دنبال آن اختلاف‌های مالی او با وزارت مالیه آغاز شد. حاج‌رحیم در نامه‌ای به ریاست وزرا، عملکرد دولت ایران را با دولت‌های اروپایی قیاس کرد و به انتقاد پرداخت. او در این نامه به لزوم اعتبار دولت و اعتماد به آن اشاره کرد و این‌گونه اعمال را موجب آن دانست که دیگر تاجر ایرانی وارد «معاملات دولتی» نشود (آ.ا.ت، سند ش ۴۳). اتحادیه بارها از واژه‌هایی چون «وضع قانون»، «حدود قانون»، «مجسمه قانون» و «قانون‌طلبی» استفاده کرد و در نامه‌های بعدی از دولت خواست که لااقل این ماجرا را «مطابق عدالت» خاتمه دهد (آ.ا.ت، سند ش ۴۴). طلب‌های وزارت مالیه، رسیدن موعد پرداخت قسط سوم اجاره و نیز لغو امتیاز اجاره دخانیات به‌طور هم‌زمان، موجب اختلال مالی در کار شرکت اتحادیه شد و به شکایت اتحادیه به مراجع قانونی انجامید. کشمکش حاج‌رحیم اتحادیه و وزارت مالیه و اداره دخانیات طی سال‌های متممادی ادامه یافت تا بالاخره با اعلام حکم نهایی در ۳ دی ۱۳۱۱/۲۴ دسامبر ۱۹۳۲، ماجرای اجاره دخانیات خاتمه یافت (اتحادیه، ۱۳۷۷ ب، صص ۴۰۱-۴۲۰).

این‌گونه امتیازها به‌دلایل متعدد درعمل با موفقیت همراه نبودند. در ساختار فاسد اداری و دیوانی، دولت مردان توقع داشتند که امتیازگیرنده درصدی از درآمد خود را به آن‌ها بپردازد. علاوه‌بر آن حسادت‌های صنفی و کارشکنی رقیبان نیز امکان فعالیت بی‌دغدغه را دشوار می‌کرد.

گفتنی است که براساس اسناد موجود شرکت اتحادیه، این شرکت در جریان‌های سیاسی قبل و بعد از جنگ جهانی اول و قدرت‌گیری رضاخان فعال نبوده‌است. تنها ردپای موجود این شرکت در امور سیاسی ذکر نام حاج‌رحیم اتحادیه در بین اسامی تجاری است که در مراسم جشن تاج‌گذاری رضاشاه شرکت کرده‌اند (آ.ا.ت، سند ش ۴۵). شرکت اتحادیه با فوت حاج‌رحیم در سال ۱۳۱۳ ش/ ۱۹۳۴ م عملاً به فعالیت‌های خود پایان داد. در واقع نسل پس از حاج‌رحیم اتحادیه از فرهنگ تجاری و سنتی بازار فاصله گرفتند و بیشتر برای تحصیل به خارج از کشور رفتند.

## ۸. نتیجه

شرکت اتحادیه در زمره شرکت‌های بزرگی بود که از امور صرافی در دهه‌های پیش از مشروطیت آغاز کرد و در ادامه با گسترش فعالیت خود به تجارت، صنعت، زمین‌داری، اجاره‌داری، معدن‌داری و گرفتن امتیاز از دولت هم پرداخت. این شرکت با وجود فراز و فرودهای متعدد سیاسی، اجتماعی و چالش‌های بسیاری که در مسیر فعالیت خود داشت، توانست در دوران پس از مشروطه خود را حفظ کند و از بحران‌های متعدد مالی و اقتصادی سال‌های جنگ جهانی اول نیز گذر کند. اوج فعالیت این شرکت در دوران حاج‌رحیم اتحادیه بود. این شرکت هرچند در آغاز با صرافی شروع به کار کرد، ولی با گسترش کار خود در تهران به تدریج حوزه فعالیت خود را متنوع و گسترده کرد. مهارت مرد قدرتمند این شرکت (حاج‌رحیم) در امر صرافی او را در فعالیت‌های تجاری موفق کرد. صاحبان این شرکت در امور سیاسی چندان فعال نبودند که این می‌تواند به پیشینه صرافی آن‌ها مرتبط باشد. بدیهی است که بررسی دیگر شرکت‌های تجاری این دوران می‌تواند به ابعاد گوناگون تاریخ اقتصادی ایران یاری رساند.

## منبع

### اسناد

#### آرشیو خصوصی شرکت اتحادیه (آ.ا.ت)

ش ۱: از بانک شاهنشاهی به حاج‌رحیم اتحادیه، ۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۳۶، پرونده مربوط به نامه‌های سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۳۶ ه.ق.

ش ۲: صورت‌جلسه‌ای با رئیس بانک شاهنشاهی و وزیر مالیه، ۱۶ دی ۱۳۰۷.

ش ۳: از حاج‌عبدالرضا اصفهانی به حاج‌رحیم اتحادیه، ۲۶ جمادی‌الاول ۱۳۴۰، نامه‌های سال ۱۳۴۰ ه.ق.

ش ۴: نامه شرکت اتحادیه به کمپانی مسعودیه، ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۱۶، نمره ۱۶/۲۴.



- ش ۵: نامه شرکت اتحادیه به کمپانی محمودیه، ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۱۷، نمره ۱۶/۱۰۱.
- ش ۶: نامه حاج ابراهیم انطیقه‌چی به حاج رحیم اتحادیه، استانبول، ۴ ذی‌حجه ۱۳۳۹.
- ش ۷: نامه میرزا علی اکبر اسماعیل‌زاده، استانبول، ۱۹ ذی‌حجه ۱۳۳۹.
- ش ۸: محمد تقی افشار به حاج رحیم اتحادیه، بمبئی، ۲۲ رجب ۱۳۴۵.
- ش ۹: حاج محمد کازرونی به رحیم اتحادیه، بمبئی، ۱۵ رجب ۱۳۵۰.
- ش ۱۰: عبدالحسین کازرونی به رحیم و لطف‌علی اتحادیه، ۳۱ رمضان ۱۳۳۹.
- ش ۱۱: کازرونی به اتحادیه، بمبئی، ۶ رمضان ۱۳۴۰.
- ش ۱۲: کازرونی به اتحادیه، بمبئی، ۵ صفر ۱۳۴۱.
- ش ۱۳: حاج فتح‌الله فتیحی به حاج رحیم و حاج لطف‌علی اتحادیه، بمبئی، ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۹.
- ش ۱۴: عبدالحسین کازرونی به اتحادیه، بمبئی، ۲ جمادی‌الاول ۱۳۴۰.
- ش ۱۵: حاج محمد علی به حاج رحیم اتحادیه، تهران، ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۴۰.
- ش ۱۶: عبدالحسین کازرونی به اتحادیه، بمبئی، ۹ ربیع‌الاول ۱۳۴۰.
- ش ۱۷: نامه سفارت ایتالیا به حاج رحیم آقا اتحادیه، ۹ ژانویه ۱۹۱۳.
- ش ۱۸: قرارداد مابین حاج رحیم اتحادیه و کمپانی لیمیتد چرچیل، ۱۲ صفر ۱۳۳۲/۱۰ ژانویه ۱۹۱۴.
- ش ۱۹: سید محمد تقی امین‌التجار و پسر به حاج رحیم اتحادیه، ۶ ذی‌حجه ۱۳۴۶.
- ش ۲۰: سید محمد تقی امین‌التجار به حاج رحیم اتحادیه، ۷ ذی‌قعدة ۱۳۴۶.
- ش ۲۱: علی نمازی به حاج رحیم اتحادیه، اول رمضان ۱۳۴۶.
- ش ۲۲: مجموعه نامه‌های امین‌التجار به حاج رحیم اتحادیه، ۷ ذی‌قعدة ۱۳۴۶ و ۶ ذی‌حجه ۱۳۴۶، (مجموعه نامه‌های سال ۱۳۴۶ ق).
- ش ۲۳: قرارداد مابین حاج رحیم اتحادیه، و آقامشهدی اکبر و آقامطلب (تاجران زنجانی)، ۱۹ شوال ۱۳۳۸.
- ش ۲۴: حاج یوسف قزوینی به حاج رحیم اتحادیه، نمره ۴۶۵، ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۴۰.
- ش ۲۵: حاج یوسف قزوینی به حاج رحیم اتحادیه، نمره ۴۷۶، ۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۴۰.
- ش ۲۶: علی اتحادیه به حاج رحیم اتحادیه، ۲۰ نوامبر ۱۹۲۶.
- ش ۲۷: وزارت فواید عامه به حاج رحیم اتحادیه، ۲۷ بهمن ۱۳۰۵.
- ش ۲۸: علی اکبر صراف به حاج لطف‌علی صراف، نمره ۱۰، ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۱۶.
- ش ۲۹: نامه‌های امجد السلطان در خصوص املاک حاج رحیم اتحادیه در ینگه‌امام، ۲۲ مرداد ۱۳۱۰، مهر ۱۳۱۰، ۲۵ مهر ۱۳۱۰.
- ش ۳۰: حکم دادگاه استیناف در خصوص دعاوی حاج رحیم اتحادیه و فرمانفرما، ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۴۹.
- ش ۳۱: نامه حاج رحیم به اداره ثبت، ۸ رجب ۱۳۴۴.
- ش ۳۲: نامه علی اکبر صراف به حاج لطف‌علی صراف، ۴ جمادی‌الاول ۱۳۱۶.

۱. عتیقه‌چی: عتیقه‌خر. انتیقه (antika):  
عتیقه، کهنه و به‌دردنخور. فرهنگ سخن  
این واژه را از فرم ترکی واژه فرانسوی  
antique تلقی کرده‌است.





- ش ۳۳: گزارش مباشر اتحادیه از عملکرد زارعان، اول شهریور ۱۳۱۱.
- ش ۳۴: سواد حکم استیناف شکایت حاج رحیم آقا اتحادیه از میرزا حسن خان مستوفی الممالک در خصوص ادعای ۴ دانگ قریه فرحزاد، ۲۹ مرداد ۱۳۰۸.
- ش ۳۵: از حاج آقا کوچصفهانی به حاج رحیم اتحادیه، اذی قعدة ۱۳۴۷، (از مجموعه نامه‌های سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۴۷ ه.ق).
- ش ۳۶: احمد تفرشی به حاج رحیم اتحادیه، ربیع الثانی ۱۳۳۷.
- ش ۳۷: وکالت‌نامه رسمی به سیدابوالفضل خان، ۲۸ تیر ۱۳۱۳.
- ش ۳۸: امتیاز انحصاری کارخانه چراغ‌برق، ۱۱ مهر ۱۳۰۴.
- ش ۳۹: مشارکت در بهره‌برداری از معادن زهرآباد و سماور، ۱۲ جدی ۱۳۰۲.
- ش ۴۰: گزارش حسین از معادت زیتورآباد، در خصوص شورش یاغیان و ادعای مالکیت معادن، ۲۶ ثور ۱۳۰۳.
- ش ۴۱: از معین‌التجار به حاج رحیم اتحادیه، ۱۹ جدی ۱۲۹۸.
- ش ۴۲: اجاره‌نامه بین وزارت مالیه و حاج رحیم اتحادیه، نمره ۳۲۹۷۱/۹۰۵، اول جدی ۱۲۹۷.
- ش ۴۳: حاج رحیم اتحادیه به ریاست وزرا، ۲۲ صفر ۱۳۳۹.
- ش ۴۴: حاج رحیم اتحادیه به ریاست وزرا، ۲۸ محرم ۱۳۳۹.
- ش ۴۵: اسامی تجار شرکت‌کننده در جشن تاج‌گذاری رضاشاه، [بی‌تا].

### سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

#### اسناد نخست وزیری:

- ۱: ریاست وزرا به حاج امین‌الضرب، ۲۹ فروردین ۱۳۰۴، ۴۴-۷۸۴.
- ۲: از شرکت اتحادیه به ریاست وزرا، اذی قعدة ۱۳۴۲، نمره ۵۰-۴/۹.
- ۳: از ریاست وزرا به لیانازوف، بابت طلب تجارت‌خانه از دیویزیون قزاق، ۸ جمادی‌الآخر ۱۳۳۹، نمره ۷۸۴۰.
- ۴: از فرمانده قشون گیلان به ریاست وزرا، ۶ نوامبر ۱۹۲۰، نمره ۵۰۶.
- ۵: از حاج رحیم به ریاست وزرا، ۴ صفر ۱۳۴۰، نمره ۱۱۷۴۹.
- ۶: از وزارت فلاحت به ریاست وزرا، ۱۷ حوت ۱۳۰۱، نمره ۸۰۸۱.
- ۷: از اتحادیه به ریاست وزرا، اذی قعدة ۱۳۴۳، نمره ۳۸۳۳۰.
- ۸: از وزارت فواید عامه به ریاست وزرا، ۲۴ ثور ۱۳۳۹، نمره ۵۴۹۶.
- ۹: از لیانازوف به ریاست وزرا، ۱۶ مارس ۱۹۲۱، نمره ۱۲۸۴۰.
- ۱۰: از وزارت فواید عامه به معین‌التجار، ۱۷ عقرب ۱۳۳۸.



## کتاب

اتحادیه، منصوره؛ روحی، سعید. (۱۳۹۵). *صرافی و صراف‌ها: منتخبی از اسناد حاج‌رحیم اتحادیه*. تهران: تاریخ ایران.

تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران (۱۳۰۷-۱۳۳۷). [بی تا]. تهران.

ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۸۴). *تجار، مشروطیت و دولت مدرن*. تهران: تاریخ ایران.

جمال‌زاده محمدعلی. (۱۳۳۵). *گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران*. برلین.

## مجموعه مقاله

اتحادیه، منصوره. (۱۳۷۷ الف). «فهرست سیاه ایران در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴م-۱۹۱۸م)». چاپ شده در

کتاب: *اینجا طهران است... مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۴۴-۱۲۶۹ ه.ق.* تهران: تاریخ ایران.

اتحادیه، منصوره. (۱۳۷۷ ب). «ماجرای اجاره مالیات توتون و تنباکوی کردستان در ۱۳۳۳ ه.ق». چاپ شده

در کتاب: *اینجا طهران است... مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۴۴-۱۲۶۹ ه.ق.* تهران: تاریخ ایران.

اتحادیه، منصوره. (۱۳۷۷ ج). «مسائل صرافی از خلال سطور نامه‌های یک صراف». چاپ شده در کتاب:

*اینجا طهران است... مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۴۴-۱۲۶۹ ه.ق.* تهران: تاریخ ایران.

## روزنامه

حبل‌المتین، سال ۲۲، ش ۲۱، ربیع‌الاول ۱۳۳۲.

## منبع لاتین

Picot, H. (1897). *Biographical Notices of Members of the Royal Family, Notables, Merchants and Clergy*. London.

## English Translation of References

### Documents

Ārshiv-e xosusi-ye šerkat-e Ettehādīeh (Ār. E. T) (Ettehadieh company Private Archive):

No. 1: “*Az Bānk-e Šāhanšāhi be Hāj Rahim-e Ettehādīeh*” (From the Imperial Bank of Persia to Haj Rahim Ettehadieh), 13 Dhu Al Qāda 1336 AH (20 August 1918 AD), “*Parvande-ye marbut be nāme-hāye sāl-hā-ye 1331-1336 AH*” (The file re-



- lated to the letters of the years 1913-1918 AD).
- No. 2: “*Surat jalase-ee bā ra’ees-e bank-e Šāhanšāhi va vazir-e mālieh*” (Minutes with the president of the Imperial Bank of Persia and the Minister of Finance), 16 Dey 1307 / 6 January 1929.
- No. 3: “*Az Hāj Abd-or-Rezā Esfahāni be Hāj Rahim-e Ettehādieh*” (From Haj Abd Al-Reza Esfahani to Haj Rahim Ettehadieh), 26 Jumada Al Ula 1340 / 25 January 1922, “Nāme-hā-ye sāl-e 1340 AH” (Letters of the year 1922 AD).
- No. 4: “*Nāme-ye šerkat-e Ettehādieh be kompāni-ye Mas’udieh*” (A letter from Ettehadieh company to Mas’oudieh company), 7 Jumada al-thani 1316 / 23 October 1898, no. 16/24.
- No. 5: “*Nāme-ye šerkat-e Ettehādieh be kompāni-ye Mahmudieh*” (The letter from Ettehadieh company to Mahmpudieh company), 17 Dhu Al Qa’da 1317 / 19 March 1900, no. 16/101.
- No. 6: “*Nāme-ye Hāj Ebrāhim-e Antiqe-či to Hāj Rahim Ettehādieh*” (A letter from Haj Ebrahim Antighechi to Haj Rahim Ettehadieh), Istanbul, 4 Dhu al-Hijjah 1339 / 9 August 1921.
- No. 7: “*Nāme-ye Mirzā Ali Akbar-e Esmā’eel-zādeh*” (A letter from Mirza Ali Akbar Esmāeelzadeh), Istanbul, 19 Dhu al-Hijjah 1339 / 24 August 1921.
- No. 8: “*Mohammad Taqi Afšār be Hāj Rahim-e Ettehādieh*” (Mohammad Taghi Afshar to Haj Rahim Ettehadieh), Mumbai, 22 Rajab 1345 / 26 January 1927.
- No. 9: “*Hāj Mohammad-e Kāzeruni be Rahim-e Ettehādieh*” (Haj Mohammad Kazeruni to Rahim Ettehadieh), Mumbai, 15 Rajab 1350 / 26 November 1931.
- No. 10: “*Abd-ol-Hossein-e Kāzeruni be Rahim va Lotf-Ali-ye Ettehādieh*” (Abd Al-Hossein Kazeruni to Rahim and Lotf Ali Ettehadieh), 31 Ramadan 1339 / 8 June 1921.
- No. 11: “*Kāzeruni be Ettehādieh*” (Kazeruni to Ettehadieh), Mumbai, 6 Ramadan 1340 / 3 May 1922.
- No. 12: “*Kāzeruni be Ettehādieh*” (Kazeruni to Ettehadieh), Mumbai, 5 Safar 1341 / 27 September 1922.
- No. 13: “*Hāj Fathollāh-e Fathi be Hāj Rahim va Hāj Lotf-Ali-ye Ettehādieh*” (Haj



Fathollah Fathi to Haj Rahim and Haj Lotf Ali Ettehadieh), Mumbai, 5 Rabi' al-thani 1339 / 17 December 1920.

- No. 14: "*Abd-ol-Hossein-e Kāzeruni be Ettehādīeh*" (Abd Al-Hossein Kazerouni to Ettehadieh), Mumbai, 2Jumada al-awwal 1340/ 1 January 1922.
- No. 15: "*Hāj Mohammad Ali be Hāj Rahim-e Ettehādīeh*" (Haj Mohammad Ali to Haj Rahim Ettehadieh), Tehran, 12Jumada al-awwal 1340 / 11 January 1922.
- No. 16: "*Abd-ol-Hossein-e Kāzeruni be Ettehādīeh*" (Abd Al-Hossein Kazerouni to Ettehadieh), Mumbai, 9Rabi' al-awwal 1340 / 10 November 1921.
- No. 17: "*Nāme-ye sefārat-e Itāliā be Hāj Rahim ĀqāEttehādīeh*" (A letter from the embassy of Italy to Haj Rahim Agha Ettehadieh), 9 January 1913.
- No. 18: "*Qarārdādmā-bein-e Hāj Rahim-e Ettehādīehvakompāni-ye limited-e Čerčīl*" (The contract between Haj Rahim Ettehadieh and Churchill limited company), 12 Safar 1332 / 10 January 1914.
- No. 19: "*Seyyed Mohammad Taqi-ye Amin-ot-Tojjārvapesar be Hāj Rahim-e Ettehādīeh*" (Seyyed Mohammad Taghi Amin Al-Tojjar and his son to Haj Rahim Ettehadieh), 6Dhu al-Hijjah 1346 / 26 May 1928.
- No. 20: "*Seyyed Mohammad Taqi-ye Amin-ot-Tojjār be Hāj Rahim-e Ettehādīeh*" (Seyyed Mohammad Taghi Amin Al-Tojjar to Haj Rahim Ettehadieh), 7Dhu Al Qāda 1346 / 27 April 1928.
- No. 21: "*Ali Namāzi be Hāj Rahim-e Ettehādīeh*" (Ali Namazi to Haj Rahim Ettehadieh), 1 Ramadan 1346 / 22 February 1928.
- No. 22: "*Majmu'enāme-hā-ye Amin-ot-Tojjār be Hāj Rahim-e Ettehādīeh*" (Collections of Amin Al-Tojjar's letters to Haj Rahim Ettehadieh), 7Dhu Al Qāda 1346 / 27 April 1928, and 6 Dhu al-Hijjah 1346 / 26 May 1928, "Majmu'enāme-hā-ye sāl-e 1346 AH" (Letter collections in the year 1928).
- No. 23: "*Qarārdād mā-bein-e Hāj Rahim-e Ettehādīeh, va ĀqāMašhadi Akbar va ĀqāMotalleb: Tājerān-e Zanjāni*" (The contract between Haj Rahim Ettehadieh, and Agha Mashhadi Akbar and Agha Motalleb: Zanjani merchants), 19Shawwal 1338 / 6 July 1920.
- No. 24: "*HājYusof-e Qazvini be Hāj Rahim-e Ettehādīeh*" (Haj Yousof Ghazvini to



- Haj Rahim Ettehadieh), no. 465, 23Jumada al-awwal 1340 / 22 January 1922.
- No. 25: "*Hāj Yusof-e Qazvini be Hāj Rahim-e Ettehādīeh*" (Haj YousofGhazvini to Haj Rahim Ettehadieh), no. 476, 27Jumada al-awwal 1340 / 26 January 1922.
- No. 26: "*Ali Ettehādīeh be Hāj Rahim Ettehādīeh*" (Ali Ettehadieh to Haj Rahim Ettehadieh), 20 November 1926.
- No. 27: "*Vezārat-e favāyed-e āmmeh be Hāj Rahim-e Ettehādīeh*" (Ministry of Public Works to Haj Rahim Ettehadieh), 27 Bahman 1305 / 17 February 1927.
- No. 28: "*Ali Akbar-e Sarrāf be HājLotf-Ali-ye Sarrāf*" (Ali Akbar Sarraf to Haj Lotf Ali Sarraf), no. 10, 24Rabi 'Al-Awal 1316 / 12 August 1898.
- No. 29: "*Nāme-hā-ye Amjad-os-Soltān dar xosus-e amlāk-e Hāj Rahim-e Ettehādīeh dar Yengeh-Emām*" (Amjad Al-Soltan's letters on Haj Rahim Ettehadieh's properties in YengehEmam), 22 Mordād 1310 / 14 August 1931, 9 Mehr 1310 / 2 October 1931, 25 Mehr 1310 / 18 October 1931.
- No. 30: "*Hokm-e dādgāh-e estīnāf dar xosus-e da'āvi-ye Hāj Rahim-e Ettehādīeh va Farmān-farmā*" (Judgment of the Court of Appeals regarding the lawsuits of Haji RahimEttehadieh and Farmanfarma), 19Jumada al-awwal 1349 / 12 October 1930.
- No. 31: "*Nāme-ye Hāj Rahim be Edāre-ye Sabt*" (Haj Rahim's letter to registry office), 8 Rajab 1344 / 22 January 1926.
- No. 32: "*Nāme-ye Ali Akbar-e Sarrāf be HājLotf-Ali-ye Sarrāf*" (Ali Akbar the banker's letter to Haj Lotf Ali the banker), 4Jumada al-awwal 1316 / 20 September 1898.
- No. 33: "*Gozāreš-e mobāšer-e ettehādīeh az amalkard-e zāre'ān*" (The report of the Ettehadieh's steward on farmers' performance), 1 Šahrivar 1311 / 23 August 1932.
- No. 34: "*Savād-e hokm-e estīnāf-e šekāyat-e Hāj RahimĀqā Ettehādīeh az MirzāHasan Xān-e Moštowfi-ol-Mamālek dar xosus-e edde'ā-ye čahār dāngq arye-ye Farahzād*" (The transcript of Haj Rahim Agha Ettehadieh'slawsuit against Mirza Hassan Khan Mostowfi Al-Mamalekregarding the claim of 4 shares offarahzad village), 29 Mordād 1308 / 20 August 1929.
- No. 35: "*Az HājĀqāKuč-Esfahāni be Hāj Rahim-e Ettehādīeh*" (From Haj Agha



Kouchesfahani to Haj Rahim Ettehadieh), 8Dhu Al Qa'da 1347 / 18 April 1929),  
“Azmajmu'ênâme-hâ-ye sâl-hâ-ye 1345-1347 AH” (From the letter collections in  
the years 1927-1929).

No. 36: “*Ahmad Tafreši be Hāj Rahim-e Ettehādīeh*” (Ahmad Tafreshi to Haj Rahim  
Ettehadieh), Rabi' al-thani 1337 / January 1919.

No. 37: “*Vekālat-nāme-ye rasmi be Seyyed AbolfazlXān*” (Official power of attorney  
to SeyyedAbolfazl Khan), 28 Tir 1313 / 19 July 1934.

No. 38: “*Emtiāz-e enhesāri-ye kārkhāne-ye čerāq-e barq*” (The concession of electric  
lamp factory), 11 Mehr 1304 / 3 October 1925.

No. 39: “*Mošārekat dar bahre-bardāri az ma'āden-e Zohrābād va Samāvar*” (Part-  
nership inthe exploitation of Zohrabad and Samavar mines), 12 Jiddy 1298 /3  
January 1920.

No. 40: “*Gozāreš-e Hossein az ma'āden-e Zeitourābād, dar xosus-e šureš-e yāqiān  
va edde'ā-ye mālekiat-e ma'āden*” (Hossein's report on the Ziturabadmines, re-  
garding the insurgents' uprising and the ownership claim of the mines), 26Thur  
1303 / 16 May 1924.

No. 41: “*Az Mo'een-ot-Tojjār be Hāj Rahim-e Ettehādīeh*” (From Mo'een Al-Tojjar  
to Haj Rahim Ettehadieh), 19Jiddy 1298 / 10 January 1920.

No. 42: “*Ejāre-nāmebein-e vezārat-e mālieh va Hāj Rahim-e Ettehādīeh*” (Lease be-  
tween the Ministry of Finance and Haj Rahim Ettehadieh), no. 32971/905, 1 Jiddy  
1297 / 23 December 1918.

No. 43: “*Hāj Rahim-e Ettehādīeh be riāsat-e vozarā*” (Haj Rahim Ettehadieh to the  
Prime Minister), 22 Safar 1339 / 5 November 1920.

No. 44: “*Hāj Rahim-e Ettehādīeh be riāsat-e vozarā*” (Haj Rahim Ettehadieh to the  
Prime Minister), 28 Moharram 1339 / 12 October 1920.

No. 45: “*Asāmi-ye tojjār-e šerkat-konandeh dar jašn-e tāj-gozāri-ye RezāŠāh*”  
(Name list of the merchants participating in Reza Shah's coronation ceremony),  
(n. d.). [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives  
of Iran)



“Asnād-e noxost-vaziri” (Prime Ministerial documents):

1. “*Riāsat-e vozarā be Hāj Amin-oz-Zarb*” (Prime Minister to Haj Amin Al-Zarb), 29 Farvardin 1304 / 18 April 1925, 784-44.
2. “*Az šerkat-e Ettehādieh be riāsat-e vozarā*” (From Ettehādieh company to the Prime Minister), 10Dhu Al Qāda 1304 / 13 June 1924, no. 4/9-50.
3. “*Az riāsat-e vozarābe Liānāzof, bābat-e talab-e tejārat-xānehaz division-e qazzāq*” (From the Prime Minister to Lyanazov, regarding the trading house’s loan to the Cossack Brigade), 8Jumada Al-Akhirah 1339 / 17 February 1921, no. 7840.
4. “*Az farmānde-ye qoşun-e Gilān be riāsat-e Vozarā*” (From the commander of the Gilan army to the Prime Minister), 6 November 1920, no. 505.
5. “*Az Hāj Rahim be riāsat-e vozarā*” (From Haj Rahim to the Prime Minister), 4 Safar 1340 / 7 October 1921, no. 11749.
6. “*Az vezārat-e falāhat be riāsat-e vozarā*” (From the ministry of agriculture to the Prime Minister), 17 Hut 1301 / 9 March 1923, no. 8081.
7. “*Az Ettehādieh be riāsat-e vozarā*” (From Ettehādieh to the Prime Minister), 10Dhu Al Qāda 1343 / 2 June 1925, no. 38330
8. “*Az vezārat-e favāyed-e āmmeh be riāsat-e vozarā*” (From the ministry of public works to the Prime Minister), 24Thur 1339 / 14 May 1960, no. 5496.
9. “*Az Liānāzof be riāsat-e vozarā*” (From Lyanazov to the Prime Minister), 16 March 1921, no. 12840.
10. “*Az vezārat-e favāyed-e āmmeh be Mo’een-ot-Tojjār*” (From the ministry of public works to Mo’een Al-Tojjar), 17Aqrab 1338 / 9 November 1959.[Persian]

### Books

- Ettehādieh, Mansoureh; & Rouhi, Saeed. (1395/2016). “*Sarrāfi va sarrāf-hā: Montaxabi az asnād-e Hāj Rahim-e Ettehādieh*” (Money exchange and bankers: A selection of Haj Rahim Ettehādieh’s documents). Tehran: Tārix-e Irān.[Persian]
- Jamalzadeh, Mohammad Ali. (1335/2005). “*Ganj-e Šāyḡān: Owzā’-e eqtesādi-ye Irān*” (The worthy treasure). Berlin. [Persian]



Picot, H. (1897). *Biographical notices of members of the royal family, notables, merchants and clergy*. London.

“*Tārix-če-ye si-sāle-ye bank-e melli-ye Irān 1307-1337*” (A history of the first thirty years of Bank Melli Iran 1928 - 1958). (n. d.). Tehran.[Persian]

TorabiFarsani, Soheila. (1384/2005). “*Tojjār, mašrutiat va dowlat-e modern*” (Merchants, constitutionalism and the modern state) (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]

### Documents

Ettehadieh, Mansoureh. (1377alef/1998a). “Fehrest-e siāh-e Irān dar jang-e jahāni-ye avval (1914-1918 AD)” (Iran’s blacklist in World War I (1914-1918)). In “*In jā Tehrān ast...: Majmu’e maqālāti darbāre-ye Tehrān, 1269-1344 AH*” (This is Tehran ...: A collection of articles about Tehran 1853-1925). Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]

Ettehadieh, Mansoureh. (1377be/1998b). “Mājarā-ye ejāre-ye māliāt-e tutun va tanbāku-ye Kordestān dar 1333 AH” (The account of renting the tobacco tax in Kurdistan in 1333 AH /1915 AD). In “*In jā Tehrān ast...: Majmu’emaqālāti darbāre-ye Tehrān, 1269-1344 AH*” (This is Tehran ...: A collection of articles about Tehran 1853-1925). Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]

Ettehadieh, Mansoureh. (1377jim/1998c). “Masā’el-e sarrāfi az xelāl-e sotur-e nāme-hā-ye yek sarrāf” (Exchange issues as embodied between the lines of a banker’s letters). In “*In jā Tehrān ast...: Majmu’emaqālāti darbāre-ye Tehrān, 1269-1344 AH*” (This is Tehran ...: A collection of articles about Tehran 1853-1925). Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]

### Newspapers

*Habl-ol-Matin* newspaper, year 22, issue number 21, Rabi ‘Al-Awal 1332 / February 1914.[Persian]





شهر	نام تاجر یا تجارت خانۀ مکاتبه کننده با حاج رحیم اتحادیه	تاریخ نامه های مکاتبه شده با اتحادیه
اصفهان	تجارت خانۀ حاجی فتح الله فتحی و خواجه اسدالله عصارۀ دزفولی	۲۴ شعبان ۱۳۳۹/۱۳۴۲
اصفهان	حاجی سید محمد تقی امین التجار	۲۶ محرم ۱۳۴۵/۲۰ محرم ۱۳۴۴
اصفهان و بمبئی	حاج سید محمد کازرونی و اولاد	۱۵ رجب ۱۳۵۰/۳۱ شهریور ۱۳۱۱
اهواز	حاجی فتح الله فتحی دزفولی و اخوان	۱۷ صفر ۱۳۴۰/۴ جمادی الاول ۱۳۴۲
بادکوبه	برادران کریم اف و ستاراف	۹ شوال ۱۳۴۳/۲۴ رمضان ۱۳۴۱
بوشهر	حاج میرزا غلام حسین کازرونی و اولاد	۱۰ جمادی الاول ۱۳۳۹/۲۷ حجة ۱۳۴۲
تبریز	تجارت خانۀ حاج علی کمپانی	۱۳ ربیع الثانی ۱۳۴۵
تبریز	حاج یوسف قزوینی	۱۲ جمادی الثانی ۱۳۴۵
تهران	شرکت تجاری (اولین کارخانۀ شیمی در ایران)	اول ماه مه ۱۹۲۷
تهران	حاج محمد قاسم طهرانی و پسران	(بی تا)
تهران	تجارت خانۀ برادران حاجی رسول وهاب زاده	۲۰ جمادی الثانی ۱۳۵۱
رشت	تجارت خانۀ حاجی محمد عبد الهیان اردبیلی	۶ جمادی الثانی ۱۳۴۸
رشت	تجارت خانۀ محمد باقر جورابچی و برادران	۱۳۱۳/۶/۲۵ (نامه تسلیم فوت حاج رحیم)
شیراز	محمد امین التجار شیرازی	۲۳ رمضان ۱۳۴۵
شیراز	حاج میرزا محمد رضا و میرزا محمد علی تاجران شیرازی	۳ رجب ۱۳۴۰
قزوین	حاج سید مصطفی اصفهانی رضوی	مکاتباتی در سال های ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ قمری
کرمان	تجارت خانۀ احمد دیلمقانی	۳ رمضان ۱۳۴۳
کاشان	تجارت خانۀ حاجی آقائی کاشانی	۲۰ شوال ۱۳۴۳
لاهیجان	حاج میرهاشم کهنوی	۹ جمادی الثانی ۱۳۵۳
مشهد	حاج محمد حسین تبریزی	مجموعه مکاتباتی در سال های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۰ قمری
همدان	حاج محمد نراقی و پسران	۱۷ ذی قعدة ۱۳۴۶
یزد/بمبئی	افشار یزد/محمد تقی افشار	۱۴ محرم ۱۳۴۰/۲۲ رجب ۱۳۴۵/۶ بهمن ۱۳۰۵
یزد/بمبئی	کمپانی ارامیان	۱۶ اوت ۱۸۹۹
یزد/بمبئی	تجارت خانۀ شرکت/هنچیان	۱۳۱۳/۱۲/۱

## جدول ۱

(اطلاعات جدول از مجموعه نامه های موجود در آرشیو اتحادیه استخراج شده است)

